اسرار کف بینی

انگشت شست تان را پنهان کنید!

مبینا صبور

یک سرگرمی ساده و جالب

فرض کنید پس از چند روز دوندگی برای تهیه یک نامه اداری، درست زمانی که منتظر گرفتن آخرین امضا هستید، وقت اداری به پایان رسیده و قول تحویل نامه را به روز بعد موکول کنند. اول وقت اداری!!

ماجرای ما هم در اول همین «وقت اداری» شروع می شود. فردی که قرار است امضای کذایی را بکند، سرکار خود حاضر نیست و بسته به موفقیت اداری اش یا از سرویس عمومی جا مانده یا ماشینش پنچر شده و یا راننده اش دنبال او نیامده، شاید هم راننده آمده است اما ایشان هنوز مشغول صرف صبحانه هستند و... هزار و یک شاید دیگر که اصلاً مهم نیست، مهم این است که شما باید ساعت یا ساعاتی را منتظر باشید!!

در کیف تان را باز می کنید، متأسفانه کتاب یا روزنامه ای برای مطالعه ندارید. شخصی هم همراهتان نیست که سر صحبت را با او باز کنید و کمی گله کنید. تلفن همراه هم در این منطقه آنتن نمی دهد تا بی توجه به هزینه های مکالمه، کمی صحبت کنید. حتی یک آدامس هم ته کیف و جیب ندارید تا با خشم بجویید.

قبل از آنکه فریاد بزنید، نگاهی به دستانتان داشته باشید. کف دستان شما پر از خط و خطوط و نشانه هایی است که هر کدام داستانی دارند! و می توانند شما را سرگرم کنند. این قسمت از صفحه جوان را بخوانید و صرفاً به عنوان یک سرگرمی برای شرایطی که مجال یا حوصله ای برای پرداختن به کارهای جدی وجود ندارد، از آن استفاده کنید تا با نشاط حاصل از آن با روحیه ای بهتر به کارهای جدی و تحت اختیار خود بپردازید و فراموش نکنید قرار نیست سرگرمی ها ریشه ای کاملاً علمی داشته باشند!

کف بینی چیست؟

باستانشناسان با مطالعه دست های نقاشی شده و آثار ثبت شده از کف دستان انسانهای ماقبل تاریخ بر روی دیوار غارها دریافته اند که خطوط ریز، برآمدگی ها و فرورفتگی های دست توجه آنها را نیز جلب کرده و به همین خاطر حتی دستهایی از جنس سنگ، چوب و عاج می ساخته اند. امپراتور چین در ۳۰۰۰سال قبل از میلاد برای تأیید اسناد خود به عوض مهر و امضا از اثر انگشت خود استفاده می کرده است.

توجه به کف بینی به شکل خاص از هزاران سال قبل و از هندوستان آغاز شد و پس از آن به چین، مصر و یونان باستان رسید و در هر کدام از این کشورها شیوه خاص خود را پیدا کرد و از ۲۵۰۰سال قبل توجه غربی ها را نیز جلب کرد. تا امروز که از بعدی علمی تر به آن نگاه می کنند محققین علم پزشکی دریافته اند، بین ناهنجاری های ژنتیکی و نشانه های غیرعادی روی پوست دست رابطه ای وجود دارد. از طرفی تحقیقات نشان می دهد بین اثر بعضی از انگشتان و بیماریهای قلبی نیز ارتباطی به چشم می خورد.

در حال حاضر محققین پزشکی در نروژ سعی دارند با استفاده از کامپیوتر، رابطه ای بین ناهنجاری های ژنتیکی و ارتباط آن با خطوط و نشانه های کف دست پیدا کنند.

اما تصوری که به طور عمومی در مورد کف بینی وجود دارد عبارت است از: بیان کلیات شخصیت یک فرد از طریق مطالعه: خطوط کف دست و شکل انگشتان، فاصله آنها، زاویه بین آنها، شکل ناخن ها، رنگ پوست، وجود یا عدم وجود مو بر روی انگشتان و...

شکل دست ها و فاش شدن اسرار درونی!

۱- مشاهده دستهایی خشن، زبر و به قول معروف نتراشیده نخراشیده، جای هیچ بحث و گفت وگویی را باقی نمی گذارد، آنچه مسلم است شخص از دستان خود کار زیادی می کشد و در یک کلام اهل کار یدی است.

۲-اگر دستان بلند و انگشتان بلند دارید که خدا به داد دوستان و خصوصاً همسرتان برسد چون بسیار زودرنج هستید.

۳-دستهای پهن و مربعی شکل شما نشان می دهند که فردی عادی، اهل عمل و با کمی دیدگاههای تجاری هستید.

۴- دستهای کوچک هم نشان می دهند از زندگی خود راضی هستید، گرچه بیشتر از حد نیاز برای زندگی برنامه ریزی دارید اما همیشه از آنچه به دست آورده اید راضی و خرسند بوده و هستید.

۵ - و اگر دستهایی بلند و باریک دارید باید گفت: شما فردی پندارگرا، ایده آلیست و کمتر اهل عمل هستید و گاهی هم خودخواهی به سراغ تان می آید.

انگشتهای قهر و آشتی

کف بین ها معتقدند وقتی انگشتان یک نفر از هم دور باشند، او به دنبال نظرات و ایده های نو و جدید است و هر روز راههای جدید و متنوعی را برای ادامه زندگی تجربه می کند. او در مقایسه با کسی که انگشتانش به هم نزدیک هستند، زودتر موقعیتهای مناسب را تشخیص می دهد و آماده تجربه آنهاست. تنوع پذیری او باعث می شود از امور تکراری به سرعت خسته شود و به همین خاطر اسیر قید و بندها و قراردادهای خاص زندگی اجتماعی نمی شود.

همان طور که انگشتانش را به خوبی باز می کند، سر کیسه را هم باز نگه می دارد و دست و دلباز و ولخرج است و اگر از چیزی خوشش آید سریع آن را می خرد و برای مثال پیش از آنکه کلاس موسیقی پیدا کند و از توانایی خود در این مورد آگاه باشد گیتار یا حتی پیانو ! تهیه می کند.

او در مورد سایرین هم، همین اندازه دست و دلباز و سخاوتمند است ، پول، وقت و انرژی خود را با کمال میل صرف دوستان و آشنایان می کند.

روش برخورد او به شیوه ای است که دیگران علاقه مند به ایجاد دوستی با او هستند و به راحتی دوستان جدیدی پیدا می کند و به آنها خط و جهت فکری و عملی می دهد.

خلاصه اینکه باز شدن انگشتان به شما کمک می کند نسبت به کسانی که انگشتان بسته تری دارند بهتر و موفق تر عمل کنید. خصوصاً اگر انگشت شست شما با زاویه ای بیشتر باز شود.

البته جالب است بدانید فضای بین انگشت های ما با تغییر شرایط روحیمان تغییر می کند.

وقتی با دیگران ارتباط دارید با دقت به این تغییر زاویه نگاه کنید. وقتی ارتباط شما با کسی است که دوستش دارید و به او اعتماد می کنید، انگشت ها بیشتر باز می شوند و اگر از بودن و همراهی با شخصی احساس ناراحتی داشته باشید حتی اگر چهره شما دروغ بگوید انگشت هایتان این ناخشنودی را نشان می دهند و فاصله بین آنها کمتر می شود !!

از طرفی هرچه انگشتان بازتری داشته باشید پذیرش شما برای مسائل نو و جدید بیشتر است .

یک نقاله ساده مشکلات را حل می کند !

زاویه ایجاد شده بین خط مرکزی دست (یعنی خطی که از انگشت وسط به مچ می رسد) و شست نشان می دهد که شخص مورد نظر تا چه حد پرتلاش ، پرتکاپو و پرانرژی به سوی آنچه قصد دارند بهتر و موفق تر عمل کنید. خصوصاً اگر زاویه بین شست و انگشتان نشان می دهد شخص تا چه حد در رسیدن به اهدافش موفق است که مسأله در مورد تمام امور صادق است از مسواک زدن ساده دندان ها گرفته تا خرید کفش نو و تکمیل یک پروژه عظیم !!

کوچک یا بزرگ بودن این زاویه نشان می دهد او تا چه حد آماده پذیرش و انجام مسؤولیت هاست . هر چقدر این زاویه را بیشتر باز کنید نشان می دهد تلاش شما برای رسیدن به هدف های مورد نظر بیشتر است .

کم باز شدن این زاویه و جمع بودن بند انگشت شست به سمت کف دست ، نشانی از احتیاط بیش از حد شما برای انجام کارها و دوری جستن از امور سخت و پر زحمت و طفره رفتن از کارهاست .

نکته ای قابل توجه خانم ها :

انگشتر کردن به شست دست باعث می شود فعال تر و پرتکاپوتر کارها را انجام دهید و ناخودآگاه متوجه شوید اتفاقات خوبی در زندگیتان پیش می آید .

شکل انگشتان دست و راز آنها:

۱- انگشت شست:

شست پادشاه کف دست است و چیزهای زیادی با مشاهده آن مشخص می شود . بنابراین از سه جهت به مطالعه آن می پردازند .

الف - موقعیت قرار گیری این انگشت:

- بالا بودن بیش از حد آن نشانه نوعی سبک مغزی و کم خردی است .

- بالا بودن این انگشت ، سازش پذیری کم یک فرد در مورد امور و تغییرات زندگی را نشان می دهد .

- پایین بودن انگشت شست: هوش ، زیرکی و سخاوت فرد را نشان می دهد .

- نزدیک بودن شست به سایر انگشتان: حرص ، طمع و آز را فاش می کند .

- و همانطور که گفته شد دور بودن آن از سایر انگشتان ولخرجی فرد را نشان می دهد.

۲- اندازه انگشت شست:

الف - خیلی بلند: عقل این شخص بر احساس او حاکم است و گاهی هم سرسختی و لجاجتی از خود نشان می دهد که کمی غیر عاقلانه است .

ب - بلند: فرد مورد نظر ظرفیت خوبی برای پذیرش کارهای عقلانی و عملی دارد و خود را و روش زندگیش را تعیین می کند و شخصیتی قوی دارد .

ج - کوتاه : داشتن انگشت شستی کوتاه نشان دهنده دودلی است و شخص مورد نظر در تصمیم گیری هایش با ترس و وحشت و بسیار ضعیف عمل می کند و چندان خود را باور نداشته و برای انجام کارهایش منطق خاصی ندارد .

۳- شکل انگشت شست:

هرچه شکل آن عادی تر باشد می توان گفت رفتارها ووضعیت روحی او هم عادی تر و معمولی تر است .

- انگشت شست مسطح: فرد کمی عصبی به نظر می رسد .

- انگشت پهن: غضب و طغیان آنی ، همراه با کله شقی اما دوام چندانی ندارد .

- حالت خشک و غیر قابل انعطاف این انگشت می گوید فرد مورد نظر مرموز و بیش از حد محتاط است .

- و اگر به راحتی این انگشت به عقب زده شود و از کف دست فاصله بگیرد فرد مورد نظر ، سخاوتمند است و همچنین ذوق و استعداد هنری دارد .

- انگشت شست قابل انعطاف از نمونه های تمام جهات: مربوط به شخص ولخرج است که در چارچوب عادات و رسوم خاص قرار نمی گیرد .

منتظر مطالب بیشتری در زمینه انگشتان شست و سایر انگشتان ، همچنین رنگ پوست ، میزان موی موجود بر روی دست ، شکل انگشتان ، خطوط کف دست و کف بینی افراد مشهور باشید !

می کند می رود و نتیجه می گیرد. (پس نقاله را بیرون بیاورید و این زاویه را اندازه بگیرید!)

زاویه بین شست و انگشتان نشان می دهد شخص تا چه حد در رسیدن به اهدافش موفق است که مسأله در مورد تمام امور صادق است از مسواک زدن ساده دندان ها گرفته تا خرید کفش نو و تکمیل یک پروژه عظیم !!

کوچک یا بزرگ بودن این زاویه نشان می دهد او تا چه حد آماده پذیرش و انجام مسؤولیت هاست . هر چقدر این زاویه را بیشتر باز کنید نشان می دهد تلاش شما برای رسیدن به هدف های مورد نظر بیشتر است .

کم باز شدن این زاویه و جمع بودن بند انگشت شست به سمت کف دست ، نشانی از احتیاط بیش از حد شما برای انجام کارها و دوری جستن از امور سخت و پر زحمت و طفره رفتن از کارهاست .

نکته ای قابل توجه خانم ها :

انگشتر کردن به شست دست باعث می شود فعال تر و پرتکاپوتر کارها را انجام دهید و ناخودآگاه متوجه شوید اتفاقات خوبی در زندگیتان پیش می آید .

شکل انگشتان دست و راز آنها:

۱- انگشت شست:

شست پادشاه کف دست است و چیزهای زیادی با مشاهده آن مشخص می شود . بنابراین از سه جهت به مطالعه آن می پردازند .

الف - موقعیت قرار گیری این انگشت:

- بالا بودن بیش از حد آن نشانه نوعی سبک مغزی و کم خردی است .

- بالا بودن این انگشت ، سازش پذیری کم یک فرد در مورد امور و تغییرات زندگی را نشان می دهد .

- پایین بودن انگشت شست: هوش ، زیرکی و سخاوت فرد را نشان می دهد .

- نزدیک بودن شست به سایر انگشتان: حرص ، طمع و آز را فاش می کند .

- و همانطور که گفته شد دور بودن آن از سایر انگشتان ولخرجی فرد را نشان می دهد.

۲- اندازه انگشت شست:

الف - خیلی بلند: عقل این شخص بر احساس او حاکم است و گاهی هم سرسختی و لجاجتی از خود نشان می دهد که کمی غیر عاقلانه است .

ب - بلند: فرد مورد نظر ظرفیت خوبی برای پذیرش کارهای عقلانی و عملی دارد و خود را و روش زندگیش را تعیین می کند و شخصیتی قوی دارد .

ج - کوتاه : داشتن انگشت شستی کوتاه نشان دهنده دودلی است و شخص مورد نظر در تصمیم گیری هایش با ترس و وحشت و بسیار ضعیف عمل می کند و چندان خود را باور نداشته و برای انجام کارهایش منطق خاصی ندارد .

۳- شکل انگشت شست:

هرچه شکل آن عادی تر باشد می توان گفت رفتارها ووضعیت روحی او هم عادی تر و معمولی تر است .

- انگشت شست مسطح: فرد کمی عصبی به نظر می رسد .

- انگشت پهن: غضب و طغیان آنی ، همراه با کله شقی اما دوام چندانی ندارد .

- حالت خشک و غیر قابل انعطاف این انگشت می گوید فرد مورد نظر مرموز و بیش از حد محتاط است .

- و اگر به راحتی این انگشت به عقب زده شود و از کف دست فاصله بگیرد فرد مورد نظر ، سخاوتمند است و همچنین ذوق و استعداد هنری دارد .

- انگشت شست قابل انعطاف از نمونه های تمام جهات: مربوط به شخص ولخرج است که در چارچوب عادات و رسوم خاص قرار نمی گیرد .

منتظر مطالب بیشتری در زمینه انگشتان شست و سایر انگشتان ، همچنین رنگ پوست ، میزان موی موجود بر روی دست ، شکل انگشتان ، خطوط کف دست و کف بینی افراد مشهور باشید !

یخچال فرنگی

یک لطیفه رودربایستانه

امیر و پگاه که مدتها عاشق و دلسوخته بودند و کلی امور اولیه برای نامزدی را هم انجام داده بودند، آرام آرام مثل خیلی های دیگر حوصله شان از دست هم داشت سر می رفت ولی به روی مبارک یکدیگر نمی آوردند. یک روز امیر به پگاه گفت: «آرام جانم، تنها با ادای یک کلمه می تونی من رو برای تمام عمر خوشبخت یا بدبخت کنی... بگو ببینم، بالاخره حاضری با من ازدواج کنی؟»

پگاه بر تردید خود غلبه کرد و گفت:

- نه

- آخیش ! خیلی متشکرم

یک لطیفه اقتصادانه

این فرمایش حسابی که علی الظاهر بسیار بسیار هم منطقی می آید، تراوش ذهنی میناخانم است که خطاب به شوهرش گفت:

«ما سر از کار و حرفهای تو در نیاوردیم. از یه طرف هی می گی ارزش پول سقوط کرده، پول دیگه ارزش نداره. از طرف دیگه هی می داد و فریاد می کنی که ولخرجی نکن، پول دور نریز.»

یک لطیفه ترانه

مملی دانش آموز ساعی کلاس آخر دبستان با اتکا به معلومات وسیع خود از همشیره کوچکش صغری پرسید:

- اگه گفتی کره زمین چند کیلومتر مربعه؟

دوشیزه صغری تأملی کرد و جواب داد:

- زرشک ... کره زمین گرده اون وقت تو می پرسی چند کیلومتر «مربعه»؟

یک لطیفه به شدت لوسانه

پیمان کوچولو از مامانش پرسید:

- مامان پروانه ها چی می خورن؟

مامان کمی فکر کردو جواب داد:

- گل می خورن.

حسنی بلافاصله گفت:

- پس واسه همینه که رنگ وارنگن؟

یک لطیفه عاقلانه

آرش با نامزدش بگومگویی داشت و میانه شان شکراب شده بود. روز شنبه که سر کار حاضر شد، همکارش پرس و جو کرد که :

- خب ، شب جمعه که رفتی خونه خونواده نامزدت چطور شد؟ آشتی کردین؟

- نه بابا ، از راه رسیدم خونه شون، دیدم مث برج زهرمار اون بالا نشسته. تا منو دید گفت : دیگه نمی خوام ریختت رو ببینم.

- خب ، تو چی کار کردی؟

- هیچ چی ، من هم فوراً چراغ رو خاموش کردم.

یک لطیفه گربه آمیزانه

در دانشکده علوم ، دانشجویی از استاد پرسید:

- استاد، همه این که فرمودین قبول، ولی بفرمایید اصولاً برق از چی به وجود میاد؟

استاد ، شمرده و با حوصله جواب داد:

- برق از مالش و اصطکاک ایجاد می شه. مثلاً وقتی شما موهای تن گربه ای رو در خلاف جهت مالش بدین برق ایجاد می شه.

دانشجو، برخلاف استاد با بی حوصلگی پرسید:

- استاد، این روهم می دانستم، ولی چیزی که می خوام بدونم اینه که این کارخونه های برق، این همه گربه موردنیازشون رو از کجا میارن؟

یک لطیفه غیرقابل اعتمادانه

عشرت خانوم، زن همسایه، از محبوبه خانوم پرسید:

- شنیدم اون مستأجر جوونه رو بیرونش کردی!

- آره خواهر

- چرا؟ به ظاهر جوون بدی نمی ماند.

- آره ، ظاهرش قابل اعتماد بود. منم حقیقتش خیلی باهاش خوب رفتار می کردم تاوقتی که اعتمادم ازش سلب شد.

- چطور شد که سلب شد؟

- از چند وقت پیش سوراخ کلید اتاقش رو از پشت کیپ کرده بود. خب کسی که به همچی کاری بکنه دیگه آدم قابل اعتمادی نیست.

هنر یک عطیه الهی است

امیدواریم که ارزش در همان جایگاه حقیقی خودش، اول مورد توجه خود اهل هنر قرار بگیرد و آنها به ارزش محموله با ارزشی که در وجود آنهاست، توجه کنند و آن را احترام نمایند؛ احترام کردنش هم به این است که آن را در جای شایسته خرج کنند. امام سجاد (علیه السلام) در حدیثی می فرمایند: جان و وجود انسانی تو ارزشمندترین چیزهاست؛ هیچ چیزی جز بهشت موعود خدا نمی تواند بهای این جان قرار بگیرد! این را به غیر بهشت خدا ندهید. هنر، بخشی از آن فاخرترین و ارزشمندترین قسمتهای جان انسانی است، باید برای این ارزش قائل شد و آن را برای خدا خرج کرد، البته وقتی می گوییم برای خدا خرج کنید، فوراً ذهن به طرف همان حالت فشرگیری و ریاکاری نرود.

اقتصاد در هنر

مسأله اقتصادی در هنر، مسأله مهمی است؛ نکته ای است که به دستگاههای اجرایی مربوط می شود و من بخصوص تکیه می کنم بر اینکه دوستان وزارت ارشاد به آن توجه کنند. راست می گویند - هم فیلمسازها، هم بقیه بخشهای هنری - علاوه بر این که وضع خود هنرمندها از لحاظ زندگی، خیلی ممتاز نیست و در خیلی جاها در حد قابل قبولی نیست؛ آن کسانی هم که در رشته های هنری سرمایه گذاری می کنند، غالباً وقتی به چیزهایی پایبند هستند، نمی توانند بازده مالی داشته باشند، یقیناً باید به اینها کمک شود، اگر کمک نشد، به سمت هر چیزی که بتواند پول را به سمت آنها بیاورد و آنها را تأمین کند - به قول اصحاب سینما «گیشه گرایی» - می روند که طبعاً این هم در همه وقت چیز خوبی نیست. گرایش به مسائل جنسی و شهوانی و امثال اینها در سینما، یک مقدار عاملش همین است. می خواهند فیلم جاذبه پیدا کند، لذا یک مشت افراد بخصوصی را جمع می کنند، متأسفانه این عیب بزرگی است که در خیلی از فیلمهای ما دیده می شود. آن نمونه هایی که دوستان گفتند، اصلاً قابل قبول نیست؛ کاملاً مردود است. البته این چند فیلمی که آقایان به آن اشاره کردند، من هیچ کدام را ندیده ام. بحث سانسور نیست. بحث این است که ما نباید به ذهن و دل جوان چیزی را بدهیم که او را به سمت گناه و فساد می لغزاند، این غیر از آزاد گذاشتن فکر برای انتخاب در مسأله ای است. شما می دانید که مسائل احساساتی به کسی قدرت انتخاب نمی دهد، انسان را به سمتی می کشاند، بدون این که قدرت انتخاب داشته باشد! اینها را نمی پسندم. انسان در خیلی از فیلمها و کارهای نمایشی مشاهده می کند که برای جلوه دادن به کار، از جاذبه های جنسی استفاده می کنند، در موسیقی یک طور دیگر؛ در بعضی از هنرهای دیگر طور دیگر باید به گونه ای باشد که هنرمند بتواند آزادانه هنر خودش را بدون این اجباری که گفتم - اجبار به سمت مشتری طلبی - عرضه کند تا هنر، صحیح و کامل از آب دربیاید.

تقدیر و سپاسگزاری از هنرمندان

امیدواریم که ان شاء الله هم من و هم همه مسؤولان و هم شما هنرمندان عزیزی که در اینجا تشریف دارید، مشمول هدایت و رحمت الهی باشیم و دست کمک خداوند ما را پشتیبانی و یاری کند. من دوباره از شما دوستان عزیز و برادران و خواهرانی که زحمت کشیدید و به اینجا آمدید، تشکر می کنم. این فرصت مغتنم را به من دادید که از نزدیک با شما مواجه شوم و اگرچه محدود و کم، اما از نظرات برخی از شما استفاده کنم. من احترام و ستایش خودم را نسبت به کسانی که در عرصه هنر، دلسوزانه، مسؤولانه و متعهدانه بذل تلاش و همت می کنند، عرض می کنم و از آنها تشکر می کنم و همچنین از کسانی که کارهای درخشان و با ارزشی ارائه کرده اند - چه پیشکسوتهای با ارزش ما، چه جوانهای نوبالیده ما - سپاسگزارم. ان شاء الله همه شما موفق و مؤید باشید. از برادران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همه که این فرصت را تدارک کردند، صمیمانه متشکرم.

والسلام علیکم ورحمت الله و برکاته

بقیه از صفحه ۸

اتکای حکومت کنونی ایران به رأی و عاطفه مردم

شما این را بدانید که تا این تاریخ، هیچ حکومتی مثل حکومت فعلی ایران، در این سرزمین نبوده که به رأی و خواست و عاطفه مردم متکی باشد، من این را به طور یقین می گویم و آن را ثابت می کنم. البته حکومتهایی بوده اند که ستاش کننده داشته اند، یک حرف است؛ ایمان و باور و عاطفه مردم در اختیار یک حکومت بودن، یک حرف دیگر است، این متعلق به جمهوری اسلامی است؛ این به برکت انقلاب و تکیه به مردم است، الآن هم همین طور است. این را بنده با افتخار تمام عرض می کنم.

در اینجا اقبال مردم با فرعنویت و احساس خود برتربینی، زمامداران همراه نشد. بنده که الآن دارم با شما حرف می زنم، یک سر سوزن در خودم احساس کبریایی ندارم - الحمدالله رب العالمین - سایر مسؤولان کشور هم همین گونه اند؛ رئیس جمهور هم ندارد، رئیس مجلس هم ندارد، رئیس قوه قضاییه هم ندارد، اصلاً و ابداً چنین چیزی وجود ندارد. مسؤولان ما می دانند که امانت خدا در دست آنهاست امروز چندصباحی وجود دارد، اما فردا نیست. مسؤولان در عهده خودشان وظایفی قائلند، این مربوط به این کشور است.

جرم عدم قبول زور!

این نظامی که مردمی و متواضع و در خدمت اهداف مردم است، یک گناه بزرگ و نابخشودنی دارد و آن این است که تسلیم خواسته هایی که تأمین کننده منافع قدرتهای بزرگ در این منطقه است، نمی شود. این که می گویم تسلیم منافع آنها نمی شود، حرفی است که آنها به صراحت می گویند شما می بینید که آمریکا مثلاً در خلیج فارس با در فلان نقطه نیرو مستقر می کند، اگر گفته شود چرا این کار را می کنی، می گوید منافع من در گرو این کار است! یعنی منافع او با چند هزار کیلومتر فاصله باید در خلیج فارس تأمین شود، ولو منابع آن کشوری که در همین منطقه زندگی می کند، تأمین نشود! اینها در هر کشوری هر اقدامی می کنند، به خاطر این است که آن منافع فرامرزی باید تأمین شود. جرم جمهوری اسلامی این است که برخلاف همه کشورهای دنیا، زیر بار این منافع نمی رود و آنها را تأمین نمی کند؛ می گوید می خواهم منافع خودم را تأمین کنم، به منافع ملت هم در همه وقت چیز خوبی نیست. گرایش به مسائل جنسی و شهوانی و امثال اینها در سینما، یک مقدار عاملش همین است. می خواهند فیلم جاذبه پیدا کند، لذا یک مشت افراد بخصوصی را جمع می کنند، متأسفانه این عیب بزرگی است که در خیلی از فیلمهای ما دیده می شود. آن نمونه هایی که دوستان گفتند، اصلاً قابل قبول نیست؛ کاملاً مردود است. البته این چند فیلمی که آقایان به آن اشاره کردند، من هیچ کدام را ندیده ام. بحث سانسور نیست. بحث این است که ما نباید به ذهن و دل جوان چیزی را بدهیم که او را به سمت گناه و فساد می لغزاند، این غیر از آزاد گذاشتن فکر برای انتخاب در مسأله ای است. شما می دانید که مسائل احساساتی به کسی قدرت انتخاب نمی دهد، انسان را به سمتی می کشاند، بدون این که قدرت انتخاب داشته باشد! اینها را نمی پسندم. انسان در خیلی از فیلمها و کارهای نمایشی مشاهده می کند که برای جلوه دادن به کار، از جاذبه های جنسی استفاده می کنند، در موسیقی یک طور دیگر؛ در بعضی از هنرهای دیگر طور دیگر باید به گونه ای باشد که هنرمند بتواند آزادانه هنر خودش را بدون این اجباری که گفتم - اجبار به سمت مشتری طلبی - عرضه کند تا هنر، صحیح و کامل از آب دربیاید.

تقدیر و سپاسگزاری از هنرمندان

امیدواریم که ان شاء الله هم من و هم همه مسؤولان و هم شما هنرمندان عزیزی که در اینجا تشریف دارید، مشمول هدایت و رحمت الهی باشیم و دست کمک خداوند ما را پشتیبانی و یاری کند. من دوباره از شما دوستان عزیز و برادران و خواهرانی که زحمت کشیدید و به اینجا آمدید، تشکر می کنم. این فرصت مغتنم را به من دادید که از نزدیک با شما مواجه شوم و اگرچه محدود و کم، اما از نظرات برخی از شما استفاده کنم. من احترام و ستایش خودم را نسبت به کسانی که در عرصه هنر، دلسوزانه، مسؤولانه و متعهدانه بذل تلاش و همت می کنند، عرض می کنم و از آنها تشکر می کنم و همچنین از کسانی که کارهای درخشان و با ارزشی ارائه کرده اند - چه پیشکسوتهای با ارزش ما، چه جوانهای نوبالیده ما - سپاسگزارم. ان شاء الله همه شما موفق و مؤید باشید. از برادران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همه که این فرصت را تدارک کردند، صمیمانه متشکرم.

والسلام علیکم ورحمت الله و برکاته